

تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی فرانسه^۱

علی مشهدی^۲

چکیده:

در حقوق فرانسه برخلاف بخش اعظمی از قوانین اساسی دنیا، سالیان متمادی فقدان هرگونه ارجاع به محیط زیست و لزوم حفاظت از آن در قانون اساسی فرانسه احساس میگردید. این مسئله برای نخستین بار با تصویب منشور اساسی محیط زیست در سال ۲۰۰۵ و اصلاح موادی از قانون اساسی جبران گردید. این اقدام ضرورت شناسایی، تحکیم و ارتقاء یک حقوق بنیادین و اولیه را برای شهروندان در زمینه محیط زیست مطرح می نماید. در این مقاله بصورت مختصر به بررسی و نقد جایگاه، کارکرد، برد حقوقی و فرآیندی خواهیم پرداخت که در فرانسه عنوان اساسی سازی حق بر محیط زیست را به خود گرفته است. برای این اساس در قسمت نخست به بررسی مفهوم، ضرورتها و تحولات اساسی سازی حق بر محیط زیست و در قسمت دوم اختصاصاً به تحلیل محتوای منشور اساسی محیط زیست که امروزه جزئی از قانون اساسی فرانسه است خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حق بر محیط زیست، اساسی سازی، منشور اساسی محیط زیست، حقوق فرانسه، حقوق اساسی محیط

زیست

^۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۱

^۲ تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

^۲ دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

محیط زیست بعنوان ارزشی بنیادین و اولیه که سایر حقوق در بستر آن مجال تولد، رشد، توسعه، ارتقاء و تضمین را می یابند، رفته رفته می رود تا جایگاه خود را در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی باز یابد. براین اساس حقوق محیط زیست در فرانسه در طی سالیان اخیر پایه پای تحولات بین المللی و داخلی پیشرفت قابل ملاحظه ای نموده و آستان تحولات شگرفی گشته است. توجه احزاب و گروههای مختلف سیاسی و اجتماعی و حقوقی به مسئله محیط زیست، تدوین کدی به نام «**کد محیط زیست**»^۳، افزایش بی سابقه تعداد متون قانونی، رشد رویه قضایی اختصاصی زیست محیطی در این زمینه و در نهایت تصویب «منشور اساسی محیط زیست» و تأثیرات آن در حقوق فرانسه از قبیل این تحولات است. این منشور با الحاق به قانون اساسی و بموجب قانون یکم مارس ۲۰۰۵ دست به ارتقاء قواعد حقوقی حمایت از محیط زیست به سطح قواعد حقوق اساسی زد^۴ که توسط برخی از حقوقدانان محیط زیست این تحول تحت عنوان «**اساسی سازی حقوق محیط زیست**»^۵ که می توانست تحت عنوان جداگانه «**حقوق اساسی محیط زیست**»^۶ مطالعه گردد، شناخته شد.^۷ مطابق ماده نخست قانون یکم مارس ۲۰۰۵، مقدمه قانون اساسی ۱۹۵۸ بدین طریق اصلاح می گردد:

« ملت فرانسه پایبندی خود را به حقوق بشر و به اصول حاکمیت ملی همانگونه که در اعلامیه ۱۷۸۹ مشخص و در مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ تأکید و تکمیل شده است و همچنین به حقوق و تکالیف معین شده در منشور محیط زیست ۲۰۰۴ رسماً اعلام می نمایند.»

براین اساس حقوق محیط زیست در فرانسه خود مبین نمونه ای از یک «مکتب» و «سبکی ویژه»^۸ و منحصر بفرد را در میان شاخه های حقوق به نظاره نشسته است. این رشته به همان اندازه از حقوق عمومی استفاده می کند که از حقوق خصوصی و کیفری بهره می برد و حتی تا اندازه زیادی از پیشرفتهای حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق اتحادیه اروپا تغذیه می گردد. بنابراین با توجه به فقدان هرگونه ارجاع به محیط زیست در متن قانون اساسی فرانسه تصویب این منشور تحولی بنیادین در حقوق محیط زیست این کشور و آثار بعدی آن به شمار می رود. به قول «روشه» تصویب این متن بود که توانست چهره حقوقی

^۳ - Code de l'environnement (créé par ordonnance n° 2000-914 du 18 septembre 2000.)

^۴ - Voir. Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1^{er} mars 2005 relative à la Charte de l'environnement (J.O n° 51 du 2 mars 2005 page 3697)

^۵ - Constitutionnalisation de droit de l'environnement

^۶ - Droit constitutionnelle de l'environnement

^۷ - از جمله بنگرید به منابع ذیل:

-Prieur, Michel, "Vers un droit de l'environnement renouvelé" Cahiers du Conseil constitutionnel sur <<http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env2.htm> en data del 11 Jun 2008>-Bertrand MATHIEU, *la constitutionnalisation de droit de l'environnement, La Charte adossée à la Constitution française*, Xèmes Journées juridiques franco-chinoises, Paris, octobre 2006-Yves JÉGOUZO "La Constitution et l'environnement", Études et doctrine Cahiers du Conseil constitutionnel n° 15 sur <<http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env1.htm>>

^۸ -Sui generis

فرانسه را متحول نماید.^۹ این منشور مجدداً اصول و مفاهیم بعضاً ابداعی را در تعاریف خود مطرح کرده و در مقدمه و طی ده ماده حق هر کس بر محیط زیست سالم را مورد شناسایی قرار داد. در خصوص این منشور سؤالات چندی مطرح است. اینکه اصولاً اساسی سازی محیط زیست که به دنبال تصویب این متن از سوی برخی از حقوقدانان ابداع گردید به چه معنا است؟ ضرورت‌های آن کدامند؟ و آیا اصولاً الحاق چند ماده به قانون اساسی یا اصلاح آن به معنای اساسی سازی محیط زیست خواهد بود یا این مفهوم مسئله ای ماهوی، بنیادین و عمیقی را مطرح می کند که تحلیل آنرا باید فراتر از قانون اساسی و به کل سیستم حقوقی واگذار نمود؟ در ذیل به بررسی ضرورتها، مفاهیم مرتبط و محتوای منشور اساسی محیط زیست و تأثیر آن بر مجموعه حقوق اساسی فرانسه پرداخته و آن را تحلیل و ارزیابی خواهیم نمود.

قسمت اول - زمینه ها و تحولات اساسی سازی حق بر محیط زیست در فرانسه

۱- حق بر محیط زیست و اساسی سازی آن

قانون اساسی مطلوب مبین اصول و اهداف بنیادین نظام سیاسی و در بر دارنده موضوعاتی است که تضمین کننده حقوق شهروندان است. امروزه موضوع «محیط زیست» و حمایت از آن تبدیل به یکی از دلمشغولیهای اصلی شهروندان و دولتها در سراسر دنیا گشته است. اهمیت این عنصر بگونه ای است که اکثر قوانین اساسی دنیا (از جمله ایران)^{۱۰} یک یا چند ماده را به این مسئله اختصاص داده و آنرا در عالیتین سطح و سلسله مراتب قواعد حقوقی خود یعنی قانون اساسی گنجانده اند. «**اساسی سازی**»^{۱۱} عموماً به فرآیند تغییر و تحولی اطلاق شده است که به سبب رخنه و نفوذ هنجارهای اساسی در گرایشهای مختلف علم حقوق (از جمله حقوق محیط زیست) و در نتیجه آمیختن مجموعه نظم حقوقی به این هنجارها بوجود می آید.^{۱۲} اما آیا اساسی سازی محیط زیست صرفاً بمعنای گنجاندن و بیان یک یا چند ماده در اصول قانون اساسی است؟ (معیار شکلی) یا مفهومی بنیادین و ماهوی را مطرح می نماید؟ (معیار ماهوی) این عنوان در عین کاربرد فراوان در ادبیات حقوق عمومی فرانسه به روشنی و به وضوح تبیین و تعریف نگردیده است. بنظر می رسد اساسی سازی محیط زیست بمعنای «ارتقاء ارزش بنیادین حق بر محیط زیست سالم و لوازم آن از سطح قواعد «فرو دین» حقوقی به سطح قواعد و هنجارهای «فرازین» حقوقی و اساسی در یک نظام حقوقی باشد».^{۱۳} عبارت دیگر اگر قانون اساسی را در سلسله مراتب قواعد حقوقی

^۹ - Catherine Roche, *L'essentiel du Droit de L'Environnement*, Gualino editeur, 2006, P.19.

^{۱۰} - اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

^{۱۱} - Constitutionnalisation

^{۱۲} - تقی زاده، دکتر جواد، «مسأله اساسی سازی نظم حقوقی»، مجله پژوهشهای حقوقی شهردانش، ش ۱۱، ص ۱۳۰

^{۱۳} - براین اساس می توان وجوه مختلف اساسی سازی را به «اساسی سازی شکلی» و «اساسی سازی ماهوی» تقسیم بندی نمود. اساسی سازی شکلی مفهومی ابتدایی است و بمعنای رعایت «آیین ها» و «لوازم» موضوع و اساسی سازی ماهوی مفهومی پیشرفته، بگرنج و وابسته به رنگ و بو

در رأس هرم نظام حقوقی تحلیل نماییم؛ ورود یک موضوع جدید به حیطه قواعد آن می تواند کلیه آثار حقوقی آنرا برای کل نظام سیاسی و حقوقی نیز بدنبال داشته باشد. در مقابل، بنظر می رسد عدم حضور مسئله محیط زیست در سطح «قانون اساسی» و نه «حقوق اساسی» لزوماً بمعنای عدم اساسی سازی در این زمینه نخواهد بود.^{۱۴}

۲- ضرورت‌های اساسی سازی حق بر محیط زیست

در نگاه نخست حضور مسئله محیط زیست در سطح قواعد حقوق اساسی و با توجه به فلسفه کلی حقوق اساسی غیر ضروری و توجیه ناپذیر می نماید. همچنانکه هنوز محیط زیست در قوانین اساسی برخی کشورها وارد نگردیده و در برخی کشورها نیز علیرغم حضور این عنصر در قانون اساسی از اهمیت و اولویت چندانی به عنوان یک امر اساسی برخوردار نیست. بنابراین فلسفه اساسی سازی محیط زیست چه می تواند باشد؟ در فرانسه برخی از نویسندگان در بادی امر بر فلسفه مبهم طرح این منشور در حقوق اساسی فرانسه ایراد گرفته اند و در این خصوص در مقایسه با دو متن دیگر قانون اساسی فرانسه یعنی اعلامیه ۱۷۸۷ و مقدمه ۱۹۴۶ اینگونه بیان گردیده است که «درج اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ در قانون اساسی فرانسه مبتنی بر منطق حقوق طبیعی و مقدمه ۱۹۴۶ نیز مبتنی بر اراده ای است که در یک بستر تاریخی شکل گرفته است».^{۱۵} اما محیط زیست مبتنی بر چه منطقی خواهد بود؟

مسئله دیگری که طرح این مسئله را در قانون اساسی فرانسه بغرنج می نمود این امر بود که بدلیل «قدمت» قانون اساسی فرانسه و مسائل مطروحه در آن از طرفی و «تازگی» گرایشها و مسائل حقوق محیط زیست، سالیان متمادی فقدان هرگونه ارجاع به محیط زیست و مسائل بنیادین آن نظیر حق بر محیط زیست سالم در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ احساس می گردید. این در حالی بود که اکثر قوانین اساسی در سطح اتحادیه اروپا^{۱۶} و بخش قابل توجهی از قوانین اساسی دنیا به آن اشاره و حتی قوانین اساسی کشورهایی نظیر سوئیس (بخش پنجم قانون اساسی سوئیس) به عنوان نمادی از یک «**قانون اساسی سبز**»^{۱۷} به تفصیل به آن پرداخته

و عملکرد کل «سیستم» حقوقی و بمعنای رعایت «آثار» و «محتوای» موضوع است. لذا بر مبنای معیار ماهوی لزوماً اندراج مسئله محیط زیست در قانون اساسی به معنای اساسی سازی حقوق محیط زیست نخواهد بود.

^{۱۴}- از جمله می توان به نقش تصمیمات شورایی قانون اساسی فرانسه در موضوعات مختلف زیست محیطی در توسعه و ارتقاء حقوق محیط زیست قبل از تصویب منشور اساسی محیط زیست اشاره نمود. برای دیدن تفصیل این تصمیمات و آثار آنها ر.ک:

F.Méline, et al, *L'émergence d'un droit constitutionnel de l'environnement en France*, cahiers du CNFPT, 1993, n° 38.

^{۱۵}- Bertrand Mathieu, *Op.cit*, pp. 2-4

^{۱۶}- از جمله قانون اساسی یونان در ۱۹۷۵ (ماده ۲۴)، قانون اساسی پرتغال ۱۹۷۶ (ماده ۶۲)، قانون اساسی آلمان و بلژیک در ۱۹۹۴ (ماده ۲۳)، قانون اساسی روسیه در ۱۹۹۱ (ماده ۲۹)، قانون اساسی اسپانیا در ۱۹۷۶ (ماده ۴۵ و ۴۶)، قانون اساسی فنلاند در ۱۹۹۹ (ماده ۲۰)، بلغارستان در ۱۹۹۱، و همچنین قوانین اساسی هلند، اسلواکی، لیتوانی، لتونی، استونی و... برای بررسی بیشتر ر.ک:

- Catherine Roche, *Droit de L' Environnement*, Gualino editeur, 2006, P34.- G. Sioutis, La protection de l'environnement depuis la révision constitutionnelle de 2001, *Revue Juridique de l'environnement*, 2003, n° 1, p.39

^{۱۷}- Loi constitutionnelle vert

بودند.^{۱۸} لیکن هنجارهای متعالی فرانسه در این خصوص ساکت بودند و مسئله حق بر محیط زیست سالم در سطح قوانین عادی باقی مانده بود. و هنوز جایگاه حقوقی مبهمی را بعنوان یک حق بشری در نظام حقوقی داشت. براین اساس بود کم کم در یک پروسه سی ساله ضرورت‌های این مسئله احساس گردید. بنابراین از جمله مهمترین ضرورت‌های این امر می توان به اهمیت محیط زیست سالم در تداوم جوامع بشری، ضرورت تضمین مطلوبتر حق بر محیط زیست سالم و لزوم احترام به آن و ارتقاء مسئله حفاظت از محیط زیست به سطح «**قواعد دارای ارزش قانون اساسی**» که واجد آثار مهمی در حوزه تقنین، قضاء و اجرا خواهد بود اشاره نمود. امری که توسط میشل پریور تحت عنوان «**اعلامیه سوم حقوق**»^{۱۹} از آن یاد گردید.^{۲۰} بدین طریق در نخستین سالگشت تصویب این متن بود که تأثیرات آن بر قانون گذاریها و طرح‌های قانونی در حوزه های بهداشت، انرژی و آب آشکار گردید و بقول وزیردادگستری وقت « این منشور توانست ارزش بنیادین محیط زیست را برای مردم به ارمغان آورد.»^{۲۱} در ذیل به برخی از تحولات و اقداماتی که ضرورت این مسئله را مطرح نمود اشاره می نمایم.

۳- تحولات تاریخی اساسی سازی حق بر محیط زیست در حقوق فرانسه

در طی سالیان متمادی از سوی حقوقدانان محیط زیست فقدان این امر در قانون اساسی فرانسه علیرغم وجود قوانین و مقررات بیشمار عادی همواره مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. لیکن قریب به سی سال این مسئله در سطح آکادمیک مطرح بود و هیچ اقدام یا ضرورت جدی ای تا تصویب منشور اساسی محیط زیست در سال ۲۰۰۴ در این خصوص صورت نگرفت. تا اینکه این امر به سطح مسائل سیاسی کشانده شد و علاوه بر حقوقدانان گروه‌ها و احزاب سبز نیز آنرا در رأس شعارها و اقدامات خود قرار دادند.

۱-۳- دهه هفتاد قرن بیستم و نخستین بارقه ها

در دهه هفتاد که نهضت‌های زیست محیطی و گروه‌های سبز در حال گسترش بودند و حمایت از محیط زیست در کانون توجه برنامه های سیاسی احزاب فرانسوی قرار داشت^{۲۲} اولین بارقه های توجه به جنبه های حقوقی

^{۱۸} - برای مرور قوانین اساسی در این زمینه نگاه کنید به سند ذیل :

- The report of the UN Commission on Human Rights, Human Rights and the Environment, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1994/9, Annex III

^{۱۹} - Troisième déclaration de droits

^{۲۰} - منظور سه مرحله تاریخی درج قواعد حقوق بشری در قانون اساسی فرانسه است. یعنی اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ (اعلامیه نخست) مقدمه ۱۹۴۶ (اعلامیه دوم) و منشور ۲۰۰۵ محیط زیست (اعلامیه سوم).

^{۲۱} - Morizet, « Nathalie, Premier anniversaire de la Charte de l'environnement » sur

<http://www.ump.assemblee-nationale.fr/article_texte.php3?id_article=5217>

^{۲۲} - از جمله می توان به برنامه های انتخاباتی دو کاندیدای اصلی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۴ یعنی فرانسوا میتران و والری ژیسکار د'استاد اشاره نمود. فرانسوا میتران پیشنهاد تکمیل مقدمه قانون اساسی ۱۹۵۸ را با تدارک «منشور حقوق و آزادیهای بنیادین» که شامل حق بشر بر محیط زیست می شد را ارائه داد و در مقابل والری ژیسکار د'استاد نیز ۱۸ اقدام را برای حمایت از محیط زیست پیشنهاد نمود. برای بررسی تفصیلی ر.ک:

- Hutten, Nicolas, **Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement**, Les apports de la Charte de l'environnement à l'ordre juridique interne, Thèse en Droit de l'environnement,

مسئله مورد تأکید این گروهها قرار گرفت و طرحهای متعدد پارلمانی برای اصلاح اعلامیه حقوق بشر و شهروند پیشنهاد گردید. آنجا که دولت ژاک دلماس به معاونت آمایش سرزمینی وقت، پیشنهاد مطالعه در مورد وضعیت محیط زیست و اتخاذ اقدامات حفاظتی را با طرح «صد اقدام برای محیط زیست»^{۲۳} ارائه داد. این پیشنهاد قبلاً نیز با ارائه گزارشی از طرف این معاونت در جهت تعبیه حقوق اساسی انسانی در زمینه محیط زیست مطرح شده بود. در بخشی از این گزارش آمده است: «.. اکنون زمان آن فرا رسیده است که اعلامیه ای حقوق بشری در زمینه محیط زیست سالم تدارک ببینیم...»^{۲۴}

ژورژ پمپیدو^{۲۵} ریاست جمهوری وقت فرانسه نیز در ۲۸ فوریه ۱۹۷۰ در سخنرانی خود ضمن توجه به این موضوع اعلام داشت که «باید قسمی از «اخلاق زیست محیطی»^{۲۶} شکل گیرد تا دولت، اجتماع و افراد را وا دارد که به قواعد اولیه محیط زیست احترام بگذارند...»^{۲۷} در همین دهه طرحهایی نیز برای تدوین منشوری ویژه در این خصوص پیشنهاد شد.^{۲۸} لیکن همه این طرحها بنوعی باشکست مواجه گردیدند. بنظر می رسد دلیل این ناکامی ها «قوام نیافتگی» مسائل مربوط به محیط زیست در این دوره باشد.

۲-۳- ده هشتاد ونود، شتاب اساسی سازی حق بر محیط زیست

در دهه هشتاد ونود ایده اساسی سازی حق بر محیط زیست مشخصاً مطرح گردید و اقدامات عمومی شتاب بیشتری به خود گرفت. در سال ۱۹۸۹ ریاست مجلس ملی وقت متنی را برای بازنگری مقدمه اعلامیه حقوق بشر و شهروند پیشنهاد نمود که «... حق بنیادین هر موجود انسانی را نسبت به محیط زیستی که سلامت، تعادل، رفاه و حقوق نسلهای آینده را حمایت می کند...» متعاقباً ادوارد بالادور^{۲۹} نخست وزیر وقت بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری ۱۹۹۵ گنجاندن حق بر محیط زیست سالم را در قانون اساسی مطرح نمود. بیلان سیاستهای زیست محیطی فرانسه توسط کمیسیون امور مالی مجلس ملی با نمایندگی میشل بارنیه^{۳۰} در ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ تدارک و سه مسئله پیشنهاد گردید:

الف - اتخاذ اقداماتی را برای اساسی سازی حق بر محیط زیست سالم

ب- تدارک کد محیط زیست

Université de Paris 1 Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003.

^{۲۳} - Cent mesures pour l'environnement

^{۲۴} - Hutten, Nicolas, *op. cit.*, p.4 et Michel PRIEUR, *Droit de l'environnement*, 4^e édition, Dalloz, 2001, p.60

^{۲۵} - Georges Pompidou

^{۲۶} - Morale de l'environnement

^{۲۷} - Ibid

^{۲۸} - برای بررسی فعالیتها و طرحهای مختلف ارائه شده در این زمینه نگاه کنید به:

- Hutten, Nicolas, *op. cit.*, pp.4-9

^{۲۹} - Edouard Ballardur

^{۳۰} - Michel Barnier

ج- گنجاندن مسئله محیط زیست در ماده ۳۴ قانون اساسی

در همین سال نخست وزیری طرحی ابتکاری را تحت عنوان «**طرح سبز**»^{۳۱} یا برنامه ملی برای محیط زیست را تدارک دید که توسط دولت در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۰ تصویب گردید. این طرح عمیقاً سیاست زیست محیطی فرانسه را متحول نمود. آژانس توسعه و انرژی، مؤسسه فرانسوی محیط زیست، موسسه ملی محیط زیست برای صنعت و خطرات شکل گرفتند. باین تجارب تعدادی اصلاحات نیز در قانون مصوب ۲ فوریه ۱۹۹۵ معروف به «**قانون بارنیه**»^{۳۲} صورت گرفت.^{۳۳} بنظر این جریان «**محیط زیست سازی**»^{۳۴} های دهه های هشتاد و نود بعضاً سمبلیک نیز بودند.

۳-۳- قرن بیست و یکم ، به کرسی نشستن تلاشها

در سالهای نخستین هزاره سوم بود که تلاشها به کرسی نشست. در این مدت و در خلال رقابت نامزدهای ریاست جمهوری ژاک شیراک در سوم می ۲۰۰۱ در اورلئان^{۳۵} خواسته خود را مبنی بر «**تعبیه یک محیط زیست انسانی در بطن میثاق جمهوری**» اعلام نمود. متن منشور اساسی محیط زیست پس از تهیه مقدماتی و نظر خواهیهای متعدد بویژه از شهروندان و پس از این که «**کمیسیون تخصصی**»^{۳۶} دو طرح را در این زمینه عودت داد با حکمیت رئیس جمهور به تصویب رسید. سرانجام چهار سال بعد تلاشها به ثمر نشست و این مسئله تحت عنوان «**منشور اساسی محیط زیست**»^{۳۷} در مجموعه قانون اساسی فرانسه با اصلاح مقدمه قانون اساسی و الحاق عبارت حفاظت از محیط زیست به ماده ۳۴ قانون اساسی^{۳۸} وارد گردید.^{۳۹} و از این زمان به بعد پابندی مردم فرانسه را به حقوق و تکالیف مقرر شده در منشور محیط زیست ۲۰۰۴ اعلام نمود.^{۴۰} در این خصوص شورای قانون اساسی نیز بدون فوت وقت سازگاری میان متن منشور محیط زیست

^{۳۱} - Plan vert

^{۳۲} - La loi Barnier

^{۳۳} -Ibid

^{۳۴} - Environnementalisation

^{۳۵} -Orélan

^{۳۶} -Ad hoc

^{۳۷} - Chart constitutionnelle de l'environnement

^{۳۸} - مطابق ماده ۳ قانون یکم مارس ۲۰۰۵ « بعد از خط پانزدهم ماده ۳۴ قانون اساسی فرانسه عبارت ذیل گنجانده می شود...» - حفاظت از محیط زیست»

^{۳۹} - برای اطلاع از تفصیل مذاکرات و طرحها و آیین تصویب منشور اساسی محیط زیست در فرانسه ر.ک:

Huten, Nicolas, op. cit., pp.7-11- Raphaël ROMI, La constitutionnalisation des principes du droit de l'environnement : de la grandeur à la mesquinerie ? Les contours du rapport Coppens, Droit de l'Environnement N°109, juin 2003, p.114.- M.-A. Cohendet, « Les effets de la réforme », Revue Juridique de l'Environnement , n° spécial sur « la Charte constitutionnelle en débat », 2003, p. 51

^{۴۰} -Article 1 Le premier alinéa du Préambule de la Constitution est complété par les mots : « , ainsi qu'aux droits et devoirs définis dans la Charte de l'environnement de 2004 ».

وقانون اساسی اتحادیه اروپایی را اعلام نمود. این شورا در نهایت به فقدان هرگونه تعارض این متن با ماده ۵ منشور رأی داد و سپس شورا مطابقت ماده ۶ منشور را با دیگر مواد قانونی اعلام نمود.^{۴۱}

قسمت دوم- تحلیل حق بر محیط زیست در محتوای منشور اساسی محیط زیست

۱- مقدمه منشور

مقدمه منشور مبین رئوس کلی و مفاهیم بنیادین مربوط به حفاظت از محیط زیست است. در بخشی از مقدمه منشور آمده است:

«ملت فرانسه با عنایت به اینکه منابع طبیعی و توازن آن برای انسان ضروری است و اینکه آینده وجود انسان بگونه ای اجتناب ناپذیر وابسته به محیط طبیعی اش است، اینکه محیط زیست میراث مشترک بشریت محسوب می شود، اینکه انسان تأثیر روزافزونی بر شرایط زندگی و تغییر مخصوص به خود را بر جای می گذارد، اینکه تنوع زیستی، شکوفایی انسانی و پیشرفت جوامع انسانی از یکسری از روشهای مصرف و تولید خاص که بر مبنای بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی استوار است تأثیر می پذیرد، اینکه حفاظت از محیط زیست باید از نظر سایر منافع بنیادین ملت پیگیری گردد و اینکه بمنظور تضمین توسعه پایدار، اقدامات مربوط به تأمین نیازهای مربوط به نسل حاضر نباید ظرفیت نسل آینده و دیگر مردمان را در برآوردن نیازهایشان به خطر اندازد اعلام می دارد که ...»

با نگاهی به مقدمه منشور می توان به اهمیت این متن در بیان مسائل بنیادین و کلی حقوق محیط زیست پی برد از جمله:

- اهمیت و نقش منابع طبیعی در زندگی انسانی
- وابستگی اجتناب ناپذیر حیات و آینده انسانی به محیط طبیعی
- شناسایی و اعلام اینکه محیط زیست «میراث مشترک بشریت» است.^{۴۲}
- تأثیر روشهای مصرف و تولید و بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی بر انسان و محیط زیست.^{۴۳} (الگوی مصرف و بهره بردای بی رویه از منابع طبیعی)
- تأکید بر تضمین «توسعه پایدار»^{۴۴} از طریق رعایت انصاف بین نسلی و فرانسلی

۲- اصول بنیادین اعلامی توسط منشور

ارزش و جایگاه حقوقی اصول حقوق محیط زیست همواره در دکتترین به عنوان بحثی جنجالی مطرح بوده و فرآیند «اصل سازی»^{۴۵} در این رشته بعضاً مورد انتقاد قرار گرفته است. از نقاط قوت منشور اعلام و شناسایی اصول بنیادین حقوق محیط زیست بویژه حق بر محیط زیست سالم^{۴۶} و راهبردهای تضمینی آن

^{۴۱} - Décision du 24 mars , et Décision n° 2005-514 DC du 28 avril 2005.

^{۴۲} - Patrimoine commun (art 2 la Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1er mars 2005 relative à la Charte de l'environnement.)

^{۴۳} - اصولاً مشکلات زیست محیطی جدید را می توان به سه بحران ذیل مرتبط دانست (جمعیت، الگوی مصرف و تکنولوژی و صنعت)

^{۴۴} - Développement durable

^{۴۵} - Principalisation

^{۴۶} - مطابق ماده ۱ منشور «هرکس حق برخورداری از زندگی در یک محیط زیست متعادل، و مناسب با سلامتی خود را دارد.»

است. با اینحال به زعم نویسندگان جای خالی برخی اصول نظیر اصل هماهنگی^{۴۷} و اصل پرداخت توسط آلوده ساز^{۴۸} در منشور اساسی محیط زیست کاملاً احساس می شود. به قول میشل پریور متأسفانه منشور هیچگونه اشاره مستقیمی به اصل بنیادین هماهنگی ننموده است^{۴۹} هرچند می توان از ماده ۶ منشور وبخشی از مقدمه به صورت غیر مستقیم وبا تفسیر موسعی، این مفهوم را از اصل توسعه پایدار استنباط نمود. ولی شایسته بود که منشور در ماده ای جداگانه به این اصول نیز می پرداخت. از جمله مهمترین اصول اعلامی عبارتند از:

۲-۱- اصل حمایت و حفاظت

مطابق این اصل عام و قدیمی ونخستین حقوق محیط زیست، ضروری است بمنظور جلوگیری از ورود خسارات به محیط زیست کلیه اقدامات ممکنه انجام گیرد. این اصل امروزه به صورت کلی با مسئله محیط زیست آمیخته شده ودر هر قانون محیط زیست می توان رد پای آنرا پیدا نمود. در ماده ۲ منشور ضمن اشاره به این اصل این تکلیف را بر عهده کلیه اشخاص نهاده است. «هر شخص مکلف است نسبت به بهسازی و حفاظت از محیط زیست اقدام نماید.» اصولاً این اصل با اجرای سایر اصول تکمیل می گردد.

۲-۲- اصل مشارکت و دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

اندراج این اصل در منشور متأثر از حقوق اتحادیه اروپا بویژه کنوانسیون ۱۹۹۹ آرهاس در خصوص دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم گیریها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی است.^{۵۰} مطابق ماده ۷ منشور «هر شخصی حق دارد، مطابق شرایط ومحدودیت های معین شده توسط قانون، به اطلاعات مربوط به محیط زیست نزد مقامات عمومی دسترسی داشته ودر تدارک تصمیمات عمومی که ممکن است مضر به محیط زیست باشد مشارکت نماید.»

۲-۳- اصل توسعه پایدار

فرانسه در تصویب این اصل متأثر از حقوق بین الملل وحقوق اتحادیه اروپایی است. در سال ۲۰۰۱ راهبرد اتحادیه اروپایی در زمینه توسعه پایدار تصویب شد و در همین زمان بود که فرانسه «شورای ملی توسعه پایدار»^{۵۱} را در نخست وزیری تشکیل داد. این اصل با هدف آشتی میان سه عنصر جدایی ناپذیر «توسعه اقتصادی»، «پیشرفت اجتماعی» و «احترام به محیط زیست» مطرح گردید. منشور اساسی محیط زیست دو بار به

^{۴۷} -Principe d'intégration

مطابق این اصل بنیادین قوانین وسیاست های زیست محیطی به دلیل بین بخشی وفرابخشی بودن موضوعات باید در هماهنگی با سایر حوزه های مرتبط با محیط زیست از قبیل حمل ونقل، انرژی، کشاورزی وسیاست های توسعه ای باشند. لذا بر این اساس حمایت از محیط زیست صرفاً بر عهده سیاست های زیست محیطی نیست بلکه وابسته به کلیه سیاست ها، حوزه ها و اقدامات است.

^{۴۸} - Principe Pollueur- Payeur

^{۴۹} - Prieur, Michel, op.cit

^{۵۰} - Convention sur l'accès a l'information, la participation du public au processus décisionnel et l'accès a la justice en matière d'environnement. (Aarhus, 1998).

^{۵۱} -Conseil national du developpement durable.

این اصل اشاره نموده است. نخست در مقدمه و با الهام از سیاق عبارت مشهور بین المللی و با این عنوان که «بمنظور تضمین توسعه پایدار، اقدامات مربوط به تأمین نیازهای مربوط به نسل حاضر نباید ظرفیت نسل آینده و دیگر مردمان را در برآوردن نیازهایشان به خطر اندازد.» و دوم در ماده ۶ منشور که تأکید می نماید «...سیاستهای عمومی باید اصل توسعه پایدار را ارتقاء دهند. به همین منظور این سیاستها حمایت و ارتقاء محیط زیست را مورد توجه قرار داده و با توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی هماهنگ می شوند.»

۲-۵- اصل احتیاطی

اشاره به اصل اقدامات احتیاطی^{۵۲} یکی از نوآوریهای منشور محسوب می گردد. این اصل برآمده از عدم قطعیتهای علمی در زمینه امکان ورود خسارت بر محیط زیست و بدنبال حمایت حداکثری از محیط زیست است. مطابق ماده ۵ منشور که می توان گفت مفصل ترین ماده منشور محسوب می گردد «در مواردی که با توجه به شناختهای علمی زمان امکان بروز خسارات غیر قطعی وجود داشته باشد و ممکن است اثر نامطلوب بر محیط زیست بگذارد، مقامات عمومی با اعمال اصل احتیاطی و در حوزه صلاحیت خود بر این امر نظارت نموده و آیین های را جهت ارزیابی خسارات اتخاذ نموده و اقدامات مناسب و موقتی بمنظور جلوگیری از وقوع خسارت تدارک خواهند دید.» این ماده ضمن اشاره به تعریف اصل احتیاطی اعمال آنرا بر عهده مقامات عمومی نهاده است.

۲-۶- اصل جبران خسارات زیست محیطی

خسارات زیست محیطی بعلت ویژگیها و ماهیت ویژه ای که دارند لزوم اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مسئولیت مبتنی بر خطر را تقویت می نماید. خسارات زیست محیطی غالباً «غیر قابل جبران»، «دیرپا» و از لحاظ بار اثبات «مشکل» هستند. بر این اساس برابر ماده ۴ منشور محیط زیست «هر شخصی باید در چهارچوب مقرر در قانون نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد می نماید اقدام نماید.»

۲-۷- اصل پیشگیری

اصل پیشگیری در قوانین عادی فرانسه وجود داشت. (از جمله ماده ۱-۲۲۱ کد محیط زیست) این اصل تأکید بر اتخاذ اقدامات پیشگیرانه بمنظور جلوگیری از ورود خسارات بر محیط زیست دارد. این اصل معتقد است که در حوزه محیط زیست همواره «پیشگیری بهتر از درمان است». ماده ۳ منشور اساسی محیط زیست با شناخت اهمیت رویکرد پیشگیرانه در موضوعات زیست محیطی اعلام می دارد که «هر شخصی موظف است، در چارچوب تعیین شده توسط قانون از آسیبهایی که زمینه ساز ورود خسارت به محیط زیست می شوند پیش گیری و آثار آنرا محدود نماید.»

۳- نقد و ارزیابی منشور محیط زیست

۳-۱- برد حقوقی

نخستین سئوالی که ذهن را در خصوص منشور به خود مشغول میدارد ارزش حقوقی و قضایی منشور است. قطعاً متن منشور اعتبار حقوقی ویژه ای دارد. منشور برای قضات و کسانی که باید آنرا در رویه های

^{۵۲} - Principe de précaution

قضایی مورد توجه قرار دهند واجد برد حقوقی است. بقول پرفسور ماتیو « منشور بردی دارد که آنرا به قضات اعطاء میکند این منشور واجد پتانسیلهای فراوان و بردی با اثرات بطلی و طولانی است مگر مواردی که تأکید بر توجه به محیط زیست با توجه به الزامات منفعت عمومی گردد».^{۵۳} بنابراین اگر یکی از سؤالات دکتربین در این زمینه امکان استناد و پایه ریزی یک دادرسی حقوقی بر مبنای منشور اساسی محیط زیست باشد بلافاصله این دادگاهها هستند که اعتبار آنرا به چالش می کشند. و باید در یک وضعیت نخستینی که بنظر غیر قابل اطمینان می رسد به آن پاسخ دهند. از جمله می توان به رأی دادگاه اداری « شالون آن شامپانی» اشاره نمود که نخستین بار به آن جواب مثبت داد.^{۵۴} این دادگاه در رأی صادره براین عقیده بود که باتکیه بر منشور قانون اساسی از جمله ماده ۱ آن، قانونگذار بدنبال تأسیس حق بر محیط زیست بعنوان یک حق بنیادین دارای ارزش قانون اساسی^{۵۵} است. همچنین دادگاه اداری «آمیان» در خصوص مواد ۲ و ۱ منشور نیز اینگونه اظهار نظر نموده است که امکان اقدام به طرح دعوی از طرف افراد در یک موقعیت شخصی برای این که از یک اقدام یا تصمیم آسیب نینند وجود دارد.^{۵۶}

نکته دیگر ارزش متفاوت هر یک از مواد منشور است. بنظر می رسد همه مواد منشور دارای برد حقوقی یکسانی نباشند. مواد ۸ و ۹ و ۱۰ بیشتر جنبه اعلامی داشته و مواد ۲ و ۳ و ۴ نیز با عبارت «هر شخص»^{۵۷} (برخلاف مواد ۵ و ۶ و ۱۰ که تعهدات و تکالیفی را بر مقامات عمومی بار نموده است) مبین حقوق و تکالیفی برای همه مردم در زمینه محیط زیست است.

شورای قانون اساسی نیز پس آنکه سازگاری میان متن منشور محیط زیست و قانون اساسی اتحادیه اروپایی را اعلام نمود در رویه های اخیر خود دو بار بصورت مستقیم به برد حقوقی این متن اشاره نموده است. این شورا در تصمیم اخیر خود.^{۵۸} اعلام نمود که اخذ مالیات از بهره برداران منابع الکتریکی و انرژیهای نو مقررات ماده ۶ منشور را در زمینه توسعه پایدار نقض نمیکند زیرا اینگونه فعالیتها در راستای سیاستهای اتحادیه اروپا و فرانسه در زمینه گسترش انرژیهای نو تجدید پذیر است.

۳-۲- انسان محور بودن منشور^{۵۹}

اصولاً قوانین زیست محیطی انسان محورند. توجه به رویکرد «طبیعت محور»^{۶۰} نیز معمولاً به منافع انسانی ختم میشود و این مسئله بزرگترین نقصان حقوق محیط زیست در قرن حاضر محسوب می گردد. هر چند

^{۵۳} - Roche, Op.cit p36

^{۵۴} - TA Chalons-en-Champagne, ord.29 avril 2005, Conservatoire du Patrimoine naturel, Ligue de protection des oiseaux et fédération des Conservatoire d'espaces naturels, voir Catherine Roche, op.cit.p17.

^{۵۵} - En valeur constitutionnelle

^{۵۶} - TA Amiens, Ord, réf.8 déc, 2005. Ibid

^{۵۷} - Toute personne

^{۵۸} - 2005-516.DC, et 2005-514DC

^{۵۹} - Anthropocentrique

^{۶۰} Biocentrique

نمی توان به قطع حکم نمود که منشور و فلسفه طرح آن در حقوق فرانسه برآمده از رویکردی «انسان محور» است ولی منشور رنگ و بویی انسان محور دارد. عبارت رساتر رویکرد انسانی بر این منشور غالب است. در این منشور دو بار از واژه «مردم»^{۶۱} پنج بار از واژه «انسان»^{۶۲} شش بار از واژه «شخص»^{۶۳} انسانی استفاده شده است. در مقابل در هرجا که از اصطلاح طبیعت و محیط زیست بهره جسته است آنرا به منافع انسانی گره زده است و تنها می توان گفت که در قسمت اخیر ماده نه بنوعی تأکید بر رویکرد طبیعت محور دارد.

نتیجه

محیط زیست بعنوان ارزشی بنیادین که حیات، سلامتی، رفاه و آینده انسانها و سایر موجودات به آن وابسته است نیازمند ارتقاء و جایابی در عالیتین و بنیادی ترین قواعد حقوقی است. این نقصان (برخلاف اکثر نظامهای حقوق اساسی دنیا) در قانون اساسی فرانسه احساس می گردید. با تصویب منشور اساسی محیط زیست و با کامل شدن مقدمه و ماده ۳۴ قانون اساسی صراحتاً صلاحیتهای پارلمان مبنی بر «حفاظت از محیط زیست» افزایش یافت. اما باید توجه داشت که صرف اختصاص یک یا چند اصل در قانون اساسی و یا اصلاح آن ضرورتاً و الزاماً بمعنای اساسی سازی محیط زیست نخواهد بود بلکه این مفهوم عمیقاً متأثر از رویه عملی نهادهای قضایی، اداری و اساسی در صیانت از حق بر محیط زیست سالم است. آنچه که گذشت نقد و بررسی تحولات فرآیند اساسی سازی حقوق محیط زیست در فرانسه بود. لذا آنچه که در اینجا ضرورت دارد تأکید بر نقش منشور محیط زیست در ارتقاء حقوق محیط زیست به سطح قواعد دارای ارزش قانون اساسی و آثار حقوقی این مفهوم در رژیم حقوقی و قضایی فرانسه است. لیکن ضمن اشاره به برخی کاستیها که در ضمن تحقیق اشاره رفت باید گفت که هرچند بطور غیر مستقیم می توان طبیعت محوری را از برخی از مواد منشور استنباط نمود لیکن بزرگترین نقصان این منشور «انسان محور» بودن آن است.

^{۶۱} -Peuple

^{۶۲} -Homme

^{۶۳} -Personne

منابع

۱- تقی زاده، دکتر جواد، «مسأله اساسی سازی نظم حقوقی»، مجله پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۸۵، ش

۱۱.

2- Bertrand MATHIEU, *la constitutionnalisation de droit de l'environnement, La Charte adossée à la Constitution française*, Xèmes Journées juridiques franco-chinoises, Paris, octobre 2006.

3- Catherine Roche, *L'essentiel du Droit de L'Environnement*, Gualino editeur, 2006.

3- Catherine Roche, *Droit de L' Environnement*, Gualino editeur, 2006.

4- F.Méline, et al , *L'émergence d'un droit constitutionnel de l'environnement en France*, cahiers du CNFPT, 1993, n° 38.

5- G. Sioutis ,« La protection de l'environnement depuis la révision constitutionnelle de 2001», *Revue Juridique de l'environnement*, 2003, n° 1.

6- Hutten, Nicolas, *Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement*, Les apports de la Charte de l'environnement à l'ordre juridique interne, Thèse en Droit de l'environnement, Université de Paris 1 Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003.

7- Michel PRIEUR, *Droit de l'environnement*, 4^e édition, Dalloz, 2001.

8- Nathalie ,Morizet «Premier anniversaire de la Charte de l'environnement» sur

<http://www.ump.assemblee-nationale.fr/article_texte.php3?id_article=5217>

9- M.-A. Cohendet, « Les effets de la réforme », *Reveu Juridique de l' Eenvironnement*, n° spécial sur « la Charte constitutionnelle en débat », 2003.

10-Prieur, Michel, "Vers un droit de l'environnement renouvelé" Cahiers du Conseil constitutionnel sur < <http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env2.htm> en data del 11 Jun 2008>

11- Raphaël ROMI, *La constitutionnalisation des principes du droit de l'environnement : de la grandeur à la mesquinerie ? Les contours du rapport Coppens*, Droit de l'Environnement N°109, juin 2003.

12-Yves JÉGOUZO "La Constitution et l'environnement", Études et doctrine Cahiers du Conseil constitutionnel n° 15 sur <<http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env1.htm>>

رويه قضایی

13- TA Chalons-en-Champagne, ord.29 avrile 2005, Conservatoire du Patrimoine naturel, Ligue de protection des oiseaux et fédération des Conservatoire d'espaces naturels ,voir Catherine Roche .*op.cit.*p17.)

Evolutions de droit à l'environnement dans le droit constitutionnel français

Résumé:

Contrairement la plupart des constitutions de monde, dans le droit français , depuis longtemps la loi constitutionnel n'avait pas pris en compte la question de l'environnement et le droit a l'environnement sain. mais c'est faite premirèremment en 2005 par adoption de Charte de l'environnement par le Parlement. Cette insertion dans la Constitution marque l'émergence de nouveaux droits fondamentaux et la perméabilité des ordres juridiques s'agissant de l'affirmation des droits.

Il s'agit plus précisément de processus, situation, effectivité, fonction et portee juridique de la constitutionnalisation de droit de l'environnement en France. alors dans cette étude nous examinons tout d'abord la natione et néccsité de La constitutionnalisation de droit de l'environnement et son évolution dans le system de droit costitutionnel français. Ensuit dans le deuxième parti nous etudions le contenu de Charte constitutionnelle de l'environnement.

Mots-clés: Droit de l'environnement, constitutionnalisation, Charte constitutionnelle de l'environnement, Droit français, Droit constitutionnelle de l'environnement.